

✍ ابعاد بحث من (پازل بحث، ۵ قطعه دارد)

- شاخص‌های کیفیت چیست؟
- نسبت کیفیت و عدالت چیست؟
- صداقت و جدیت در مطالبه کیفیت را چگونه باید تشخیص داد؟
- ملاک‌های قضاوت درباره کیفیت ایده‌های تحولی چه هستند؟
- ایده یا پروژه پیشنهادی من چیست؟

▪ شاخص‌های کیفیت چیست؟

▼ شاخص‌های کیفیت فقط نتایج آزمون‌های بین‌المللی نیستند... فقر کیفیت نشانه‌های دیگری هم دارد. گرچه این‌ها نشانه‌های خوبی هستند و باید مورد توجه قرار بگیرند. اما اگر روزی ما رتبه‌های خوب کسب کردیم، آیا باید آموزش و پرورش را موفق و کیفیت را مطلوب ارزیابی کنیم؟ قطعا خیر. حال بچه‌ها و حال آموزش و پرورش ممکن است کماکان خوب نباشد. ما با منشوری از شاخص‌ها و عملکردها سرکار داریم که اضلاع گوناگونی دارد..

... سایر شاخص‌ها؟ امتحانات نهایی و کنکور که بازهم کمی هستند+ می‌توانیم به طیف آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی بنگریم (رانت‌خواری و اختلاس، افول سرمایه اجتماعی، بزهکاری، فقر و جمعیت بازمانده از تحصیل، به تاخیر افتادن سن ازدواج، طلاق، فاصله طبقاتی و...) و فقر کیفیت را نتیجه بگیریم+ می‌توانیم به ناکامی در دستیابی به کمالاتی برای حیات فردی و اجتماعی بهتر و همچنین حیات مادی و معنوی غنی‌تر فکر کنیم و فقر کیفیت در نظام تعلیم و تربیت را نتیجه بگیریم (اعتماد به نفس، مساله‌شناسی و حل مساله در شکل فردی و جمعی، ترجیح منافع جمع به منافع فرد، رواداری و احترام به مخالف، تاب‌آوری و استقامت در نیل به هدف، حب وطن، نقدپذیری، کارآفرینی).

▪ نسبت کیفیت و عدالت چیست؟

▼ من کیفیت و عدالت را هم آغوش می‌بینم. کیفیت، معنای دیگری جز تامین فرصت‌های یادگیری کیفی (منتهی به یادگیری عمیق و ماندگار) برای آحاد دانش‌آموزان قائل نیستم. عدول از عدالت یا بی‌عدالتی هم جز نابرخورداری از فرصت‌های یادگیری کیفی معنایی ندارد.

▪ صداقت و جدیت در مطالبه کیفیت را چگونه باید تشخیص داد؟
▼ برای ورود به مقوله کیفیت باید به پرسش مبنایی پاسخ دهیم: آیا سخن از تغییر حال و هوای آموزش و پرورش و ارتقاء کیفیت جدی است و مبتنی بر این باور است که آموزش و پرورش حقیقتاً زیربنای توسعه پایدار کشور است؟ یا یک امر فانتزی و لوکس و روشنفکری یا حتی پوپولیستی و برای برخورداری از منافع خاصی است؟

چگونه می‌شود پاسخ را استنباط کرد؟ یا مدعای فرد حامی ارتقاء کیفیت را راستی آزمایی کرد؟

آیا حاضریم همه چیز را به پای کیفیت قربانی کنیم؟ همه چیز را بدهیم تا کیفیت به روایت خودمان که آمیخته با عدالت نیز هست در آموزش و پرورش محقق شود؟ به نظر من یک پیوند منطقی بین آن مدعا و این نتیجه برقرار است. منطقی اگر آمادگی قربانی کردن باورها، رویه‌ها و سیاست‌های شکست خورده را داشته باشیم، می‌توانیم بگوییم در این مدعا و این مطالبه صادق هستیم. وگرنه، نه.

▪ ملاک‌های قضاوت درباره کیفیت ایده‌های تحولی چه هستند؟

▼ من برای ایده‌های تحولی و نقشه‌هایی که به دنبال ارتقاء کیفیت هستند، ۳ ملاک ارزیابی هم دارم:

(۱) آیا به اقدامات مقطعی و ناپایدار با دامنه اثر محدود متوسل می‌شویم یا اقدامات پایدار و دارای آثار ماندگار و فراگیر (اکوسیستمی) را در اولویت قرار می‌دهیم؟
(۲) آیا تحقق آن متوقف بر تحقق شروط و پیش‌نیازهای دیگر است؟ باید در انتظار بماند و تا اطلاع ثانوی ظهور و بروزی نداشته باشد؟ یا می‌توان عملاً آن را استارت زد؟
(۳) آیا در اجرا تدریج را می‌پذیرد یا مدعای کن فیکونی دارد؟ اصل تدریج یک اصل عقلانی و عدول از آن امر غیر عقلانی است. آیا ایده تحولی نقشه اجرای تدریجی مثلاً طی ۱۰ سال آینده را دارد؟

... مساله فقر کیفیت و عدالت را اگر با عنایت به این مقدمات سه‌گانه (رویکرد اکوسیستمی، امکان استارت سریع و اجرای تدریجی) بخواهیم درمان کنیم، سراغ مسایل متعددی که در تک‌تک "زیرنظام‌ها" و تک‌تک "ساحت‌های تربیت" گریبان آموزش و پرورش را گرفته نخواهیم رفت. گرچه در همه‌ی آن‌ها مساله داریم. با یک نگاه جامع باید به سراغ ایده‌هایی برویم که کل نظام را هدف اصلاح و تغییر قرار می‌دهد.

▪ ایده یا پروژه پیشنهادی من چیست؟

ایده یا پروژه پیشنهادی من؟

کلی‌ترین بیان: سفره آموزش و پرورش را آنچنان رنگارنگ بگسترانیم که در چارچوب استانداردهای کیفیت به روایت خودمان، مدارس متنوعی داشته باشیم و این مدارس هرکدام پردازش ویژه‌ای از استانداردهای کیفیت را به نمایش بگذارند تا بخشی از جامعه را که آن پردازش ویژه از کیفیت را با ترجیحات و سبک زندگی خود منطبق‌تر می‌دانند حق انتخاب داشته باشند.

✓ هزینه مورد نیاز را برای عملی کردن انتخاب مدرسه توسط خانواده، دولت به‌عنوان بخشی از وظیفه حاکمیتی خود و طبق اصل ۳۰ قانون اساسی باید به عهده بگیرد.

✓ یعنی ما برای ارتقاء کیفیت نباید یک "نسخه واحد" بپیچیم و بگوییم تمام مدارس کشور مثلاً به یک "معنای واحد" باید "طراز سند تحول" (اصطلاح رایج) یا "هم‌ریخت" بشوند. بلکه باید اجازه دهیم اطعمه و اشربه‌ی با کیفیت تعلیم و تربیتی، آنچنان که رضایت خاطر مخاطبان متنوع ما را فراهم می‌سازد، در مدارس تحت پوشش دولت تدارک دیده شده باشد تا سلیقه‌های گوناگون در سفره تعلیم و تربیت اطعمه و اشربه مطلوب و مطبوع خود را ببینند و بتوانند از آن بهره ببرند. اگر ترجیح تربیت دینی است، اگر ترجیح تربیت مهارتی است، اگر ترجیح تربیت بدنی است، اگر ترجیح تربیت هنری است، اگر ترجیح تربیت اجتماعی است، اگر ترجیح تربیت تکنولوژیک است، اگر ترجیح زبان خارجی است، اگر ترجیح شعر و ادب است، و... همه امکان انتخاب داشته باشند.... "الطرق الی التریبه به عدد المدارس!"

✓ بدین ترتیب کیفیت، معانی متفاوت و خاص گروه مخاطب را پیدا می‌کند. لاجرم خلاقیت و نوآوری و بهسازی هیچگاه در فرایند مدرسه داری همیشه در دستورکار است چون غفلت از آن و عدم پاسخگویی به تقاضای مخاطب می‌تواند ادامه حیات مدرسه را با خطر مواجه کند. یا چون مدرسه تاوان سنگینی باید پرداخت کند، از خلاقیت و نوآوری برای ارائه خدمات برتر در یک فضای رقابتی غفلت نمی‌کند.

✓ دولت باید نظارت جدی داشته باشد تا مدارس برای جلب نظر والدین به فریب‌کاری متوسل نشوند. همچنین سامانه‌ای باید برای دادن آگاهی‌های لازم به والدین درباره کیفیت مدارس بر مبنای عملکرد آن‌ها راه‌اندازی شود.

✓ این بهترین شکل تفسیر و عملیاتی کردن تز "مدرسه محوری" هم هست. چون واقعا مدرسه محوریت پیدا می‌کند. ستاد آموزش و پرورش هم برای پیگیری تکالیف حاکمیتی، ضمن این‌که کوچک‌تر می‌شود، مجال بیشتری را هم پیدا می‌کند.